

هادی اسماعیلی **ز**ریم ثوروی روسی آمریکا با هم‌راهی سگ نگهبانش در منطقه غرب آسیا یعنی رژیم کودک کش صهیونیستی با انگیزه‌های متنوع از جمله تصاحب انرژی ایران با محوریت نفت و با این سرباب که در مدت کوتاهی به نتیجه خواهند رسید، به کشور کهن ما حمله کرد اما با گذشت ۲۵ روز از مقاومت جانانه مردم و نیروهای مسلح، نه تنها خواب آشفته‌شان(اضافات احلام) تعبیر نشده است، بلکه برعکس در گردابی گیر کرده‌اند که آنها را به هذیان گویی و مواضع متضاد و متناقض واداشته است و آن‌سو،مستولان کشورمان با صدای رسا اعلام می کنند « تا زمان جبران تمام خسارات و لغوه تحریم‌های اقتصادی، مقاومت ادامه خواهد داشت.

« گاهی به وضعیت اقتصادی جهان، متأثر از دفاع مردم

ایران، از جمله به اهرم آستداد تنگه هرمز، گویای شکست

قمارباز در سرسرفت انرژی سرزمین ایران اسلامی است.

معادلات قدرت در جهان صرفاً با استکا به ابز نظامی قابل تغییر نیست و اراده ملت‌ها و توانمندی‌های راهبردی کشورها می تواند نقشه‌های از پیش طراحی شده را با شکست مواجه کند. یکی از اهداف اصلی حمله «طبقه اپستین» به کشورمان، کنترل منابع انرژی و ایجاد برتری در بازار جهانی نفت و گاز بوده،اما به قاعده ارده ملت ما، نه تنها محقق نشده است، بلکه به بحرانی چندپله برای مهاجمان تبدیل می شود.

با رصد اخبار اقتصادی رسانه‌های داخلی و خارجی، به روشنی می توان دریافت که بازار جهانی انرژی در شرایطی بی‌سابقه از بی ثباتی قرار گرفته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که روزانه میلیون‌ها شانه نفت از چرخه عرضه خارج شده و این میزان اختلال حتی از بحران‌های بزرگ نفتی گذشته، مخصوصاً در جریان جنگ غرب با روسیه در میدان اوکراین، نیز فراتر رفته است. بنابراین وضعیت موجود نشان می دهد تلاش برای بی ثبات‌سازی ایران، به‌طور مستقیم امنیت انرژی جهان را تحت تأثیر قرار می دهد. در این میان، تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انتقال انرژی، نقش تعیین کننده‌ای در تحولات اخیر ایفا کرده است. مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز از سوی نیروهای مقتدر ایران اسلامی، بازارهای جهانی را با شوک مواجه کرده و بسیاری از کشورها را نسبت به انرژی بالاتر نیز نگران کرده و جهان به این واقعیت پی برده است که با استمرار این وضعیت، قیمت‌ها به سرعت افزایش می یابد و بازارها دچار نوسان می شوند.

طبق گزارش فارس از فایننشال تایمز، تحلیلگران انرژی بانک گلدمن ساکس هم به تازگی در برابر افزایش قیمت نفت کوتاه آمده‌اند و دیگر خوش‌بینی سابق را ندارند. تحلیلگران نفتی این بانک سرمایه‌گذاری پیش‌بینی خود برای قیمت نفت برنت در ماه آوریل را از ۱۱۵ دلار افزایش دادند و گفتند که احتمالاً اوج قیمت در اوایل آوریل ۲۰۲۵ قرار خواهد بود. آنها می گویند، احتمال اینکه قیمت نفت برنت از رکورد ۱۴۷ دلاری ثبت شده در سال ۲۰۰۸ فراتر روند بسیار زیاد است؛ این رقم از رکورد قیمتی ناشی از جنگ اوکراین هم بالاتر است.
مدخل اصلی این است که گلدمن ساکس اکنون انتظار دراختلالی بسیار طولانی تر و شدیدتر در صادرات نفت از طریق تنگه هرمز رخ دهد و اینکه بازسازی بعدی ذخایر استراتژیک در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، «حق بهبه امنیتی» را در قیمت‌های بلندمدت نفت تبیین کرده‌د. در ادامه آنچه دن استروپون، مدیر مشترک تحقیقات کالا و تحلیلگر ارشد نفت گلدمن ساکس، به همراه همکارانش روز یکشنبه نوشتند، آمده است:
باین حال این کشورهای نامطلوب و به شدت نامطلوب بانک است. واقعا باید نگرانشان نامطلوب و در حد روزناریو گلدمن، جریان نفت از طریق هرمز به مدت ۱۰ هفته تنها ۵ درصد از سطوح عادی خود باقی می ماند. در سناریو بسیار بدتر، به دلیل آسیب به زیرساخت‌های انرژی، کاهش پارامتر ۲۵ میلیون بشکه نفت در روز از غرب آسیا خواهیم. به استناد گزارش تسنیم نیز، ذخایر استروپون، بیش از ۱۰۰ پمپ بنزین در سراسر ایالت نیوساوت ولز استرالیا که کمبود گازوئیل مواجه شده‌اند و ۳۵ جایگاه نیز در بپوحه بحران فرانسه سوخت در این کشور، به هیچ منبع سوختی دسترسی ندارند. کریس بوئن، وزیر انرژی استرالیا مدعی شد که ذخایر سوخت استرالیا همچنان نسبتاً قوی است و ذخایر راهبردی کشور به اندازه ۳۸ روز مصرف بنزین و ۲۰ روز مصرف گازوئیل سوخت جت را در بر دارد. دولت استرالیا برای تثبیت بازار از ۲۰ درصد از ذخایر راهبردی گازوئیل و سوخت ارزا کرد، به‌طور موقت استانداردهای کیفیت سوخت را تسهیل کرده تا سوخت با میزان گوگرد بالاتر نیز قابل استفاده باشد و حجم سوخت قابل عرضه افزایش یابد.

به نقل از خبرگزاری آنتولوژی نیز شرکت‌های هواپیمایی و خطوط هوایی در حال تدوین طرح‌های جایگزین و اضطراری هستند چرا که هشداری جدی مبنی بر اینکه تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه می تواند منجر به کمبود سوخت جت شده و طی چند هفته آینده سفرهای بین‌المللی را مختل کند، افزایش یافته است. مدیران ارشد صنعت هوانوردی معتقدند که بحران نظامی خاورمیانه تهدیدی جدی برای زنجیره تأمین سوخت محسوب می شود و ممکن است در برخی مناطق جهان، عرضه سوخت با مشکل مواجه شود.نگرانی اصلی مدیران، عدم قطعیت در خصوص دسترسی پایدار به سوخت در بلندمدت است، موضوعی که نگرانی بازار روز بروز بیشتر می کند.

ویلی والش، مدیر کل یاتا (IATA)، هشدار داد که این مسئله بزرگ ترین چالش است که صنعت هوانوردی تاکنون تجربه کرده است. کنتون جارویس، رئیس شرکت هواپیمایی «بری جت» (easyJet)، نیز در این باره توضیح داد که تأمین کنندگان سوخت تنها برای سه هفته آینده تحویل را تضمین کرده‌اند، اما درباره زمان‌های طولانی تر تضمین نشده‌اند. جارویس گفت: هیچ‌کس به ما قول نمی دهد که در شش هفته آینده مشکلی نخواهیم داشت، چرا که آن‌ها مدامی لازم را برای چنین تضمینی ندارند.

کارشناسان پیش‌بینی می کنند که اثرات این بحران در مناطق مختلف جهانی متفاوت خواهد بود. اگرچه مردم که انگلیس و بخش‌هایی از قاره اروپا در حال حاضر ذخایر کافی دارند، اما

شرکت‌های هواپیمایی که در مناطقی با وابستگی بالای سوختی فعالیت می کنند، با خطرات بیشتری روبه رو هستند. بن اسمیت، مدیر اجرایی گروه ایر فرانس-کی ال ام (KLM-France Air)، اعلام کرد که آن‌ها در حال حاضر مشغول طراحی سناریوهای مختلف برای مدیریت شرایط کمبود سوخت هستند. نگرانی هاد در منطقه جنوب شرقی آسیا که وابستگی زیادی به سوخت وارداتی از خلیج فارس دارد، بسیار شدیدتر است. اسمیت در گفت‌وگو با روزنامه فایننشال تایمز اظهار داشت، جنوب شرق آسیا بسیار بیشتر از اروپا به سوختی که از طریق خلیج فارس تأمین می شود، وابسته است. ما می توانیم سوخت را از اروپا خارج کنیم، اما وقتی به یک شهر در جنوب شرق آسیا پرواز می کنیم، امکان بازگشت هواپیما بدون سوخت‌گیری وجود ندارد. اگر سوختی در مقصد نباشد، عملاً نمی توان پرواز کرد. شرکت‌های هواپیمایی هشدار داده‌اند که در صورت شدت گرفتن کمبودها، ممکن است مجبور به کاهش تعداد پروازها شوند که این امر می تواند اختلالات گسترده‌ای ایجاد کند. تاکنون اقداماتی نظیر توقف کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) برای آزادسازی ۴۰۰ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک نفت، اعطای معافیت‌های موقت آمریکا برای محموله‌های نفتی روسیه که در دریا متوقف شده‌اند، تعلیق برخی قوانین دریایی، برای کنترل قیمت‌ها اقدام کرده است. در حال حاضر، قیمت هر بشکه نفت برنت از ۱۱۰ دلار عبور کرده است.

رسانه‌ها به این نکته نیز تأکید کرده‌اند که معاملات بازارهای سهام در شرق آسیا در حالی به پایان رسید که سرمایه‌گذاران شاهد یک روز سیاه در بیشتر بورس‌ها، این منطقه کوه‌گویی بیشترین آسیب را متحمل شده؛ و طوری که شاخص KOSPI) ۶/۵ درصد سقوط کرد. شدت این افت به حدی بود که معاملات بازار آتی این شاخص به‌طور موقت متوقف شد. در ژاپن نیز شاخص نیکی ۲۲۵ کاهش حدود ۳/۵ درصدی مواجه شد و به زیر ۵۱،۵۰۰ واحد سقوط کرد. این شاخص از ابتدای ماه مارس تاکنون بیش از ۱۳ درصد از ارزش خود را از دست داده است. بازارهای چین و هنگ کنگ نیز از این موج نزولی بی نصیب نماندند. شاخص هنگ سنگ در هنگ کنگ حدود ۳/۵ درصد ریزش کرد و شاخص‌های اصلی سرزمین اصلی چین یعنی CSI ۳۰۰ و شانگهای کامپوزیت نیز بین ۳/۲۶ تا ۳/۶۲ درصد افت داشتند. این آمار بدتر از عملکرد روزانه بازارهای چین از آوریل ۲۰۲۵ محسوب می شود. در سایر بازارهای منطقه نیز وضعیت مشابه بود، شاخص ASX ۰۰۸ استرالیا تا ۰/۷۴ درصد و شاخص Times Straits سنگاپور حدود ۲/۵۲ درصد کاهش را ثبت کردند.

شوک بی‌سابقه به بازار انرژی جهان

افزایش قیمت نفت و گاز در هفته‌های اخیر، یکی از نخستین نشانه‌های شکست راهبردی مهاجمان محسوب می‌شود. داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که قیمت نفت در بازارهای جهانی از مرزهای پیش‌بینی‌شده عبور کرده و به ۱۰۰ دلار رسیده است و برخی تحلیلگران حتی از احتمال ثبت رکورد‌های تاریخی سخن می‌گویند. این افزایش قیمت، نتیجه مستقیم کاهش عرضه و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی در منطقه است. در همین حال، بازار گاز اروپا نیز با رشد چشمگیر قیمت‌ها مواجه شده است. کشورهای اروپایی که در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند وابستگی خود را به منابع خاص کاهش دهند، اکنون با واقعیتی جدید روبه‌رو شده‌اند که نشان می‌دهد امنیت انرژی بدون ثبات در غرب آسیا قابل تضمین نیست. این وضعیت، سیاست‌گذاران اروپایی را ناگزیر کرده تا به دنبال راهکار‌های فوری برای مدیریت بحران باشند. البته برخی سران اروپا کارها مثل آلمان را نیز تنبیه کرده و به این نتیجه رسانده است که دست از توهمات تحریمی خود باید بردارند.

اختلال در زیرساخت‌های انرژی منطقه نیز در شدت این بحران افزوده است. حملات به تأسیسات نفتی و گازی در برخی کشورهای منطقه که آسمان و زمین خود را در اختیار «طبقه اپستین» گذاشته‌اند که در ماه رمضان به یک کشور مسلمان حمله کند، نگرانی‌ها در باره استمرار عرضه و افزایش داده و موجب شده تا شرکت‌های بزرگ انرژی و سرمایه‌گذاران با احتیاط بیشتری عمل کنند. این شرایط، به‌طور مستقیم بر قیمت‌ها و روند بازار تأثیر گذاشته است و در حال وارد کردن درد بیشتر به متجاوزان و همدستان آنهاست.

اختلال در زنجیره تأمین و گسترش بحران به جهان
پیامدهای این جنگ محدود به بازار انرژی باقی نمانده و به سایر بخش‌های اقتصاد جهانی نیز سرایت کرده است. گزارش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که زنجیره‌های تأمین در بسیاری از

اقتصادی

سرویس اقتصادی ۶۰۰۲۳۲۰۸۸۵

تروویست‌های متجاوز آرزوی تصاحب نفت ایران را به گور خواهند برد

باخت «قمارباز» در سرقت انرژی ایران

اختلال در مسیرهای حیاتی انرژی، بازارهای جهانی را دچار آشفتگی و افزایش هزینه‌ها و نااطمینانی

ناکامی طراحان تصاحب منابع ایران را آشکار کرده است



کشورهای فقیر خواهد بود.اكتاد گفته است قیمت سوخت‌های فسیلی و به‌طور مستقیم

به هم مرتبط هستند. گاز تولیدی منطقه خلیج فارس برای تولید اوره، که در کود نیتروژنی استفاده می‌شود، به کار می‌رود. هرمز یک گلوگاه کلیدی برای صادرات آن است.

در بخش حمل‌ونقل نیز شرایط مشابهی حاکم است. افزایش هزینه سوخت و کاهش دسترسی به آن، شرکت‌های حمل‌ونقل و هواپیمایی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ذخایر سوخت در برخی مناطق جهان کاهش یافته و شرکت‌ها ناچار به برنامه‌ریزی برای کاهش فعالیت‌های خود شده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد که جنگ علیه ایران، به‌جای تحقق اهداف اعلام‌شده، به بحرانی جهانی تبدیل شده که بخش‌های مختلف اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده است.

هزینه‌های سنگین و بن‌بست راهبردی مهاجمان
در کنار پیامدهای اقتصادی، هزینه‌های مستقیم این جنگ نیز به‌شدت افزایش یافته است. برآوردها نشان می‌دهد که آمریکا در مدت کوتاهی ده‌ها میلیارد دلار برای عملیات نظامی هزینه کرده و این روند همچنان ادامه دارد. این هزینه‌ها فشار قابل توجهی بر اقتصاد این کشور وارد کرده و حتی در داخل نیز با انتقادهایی مواجه شده است. بررسی ذمیقی از برآورد آندیشکده‌ها و مؤسسات درباره هزینه جنگ برای آمریکا در این مدت انجام نشده است، چرا که ارقام رسمی منتشر نمی‌شود، با این حال، برخی گزارش‌ها قابل توجه است. برای مثال، خبرگزاری اسپوتنیک هزینه هر نلیه جنگ آمریکا با ایران را حدود ۱۱۵۰۰ دلار برآورد کرده است. بر این اساس، در طول ۲۲ روز درگیری، بیش از ۳۰ میلیارد دلار صرف تجهیز نیروها و انجام حملات شده، رقمی که جزا ذخایر استراتژیک است. برخی برآورد دیگر، تنها در ۱۲ تا ۱۳ روز ابتدایی جنگ، خسارت‌های حدود ۳ میلیارد دلار برای آمریکا برده‌اند، همچنین بر مکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) برآورد کرده است که فقط در ۱۰۰ ساعت ابتدایی جانگ، بیش از ۲ میلیارد دلار هزینه شده است، این رقم صرفاً برای حملات هوایی، مؤسسه امریکن اینترپرایز نیز اعلام کرده است که هر ۱۰ روز جنگ، بیش از ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار هزینه به آمریکا تحمیل می‌کند.

از سوی دیگر، دونالد ترامپ درخواستی برای بودجه ۲۰۰ میلیارد دلاری از کنگره ارائه داده بود. با محاسبات اسپوتنیک، این رقم تنها کفاف حدود پنج ماه جنگ را می‌دهد؛ آن هم در شرایطی که همین بودجه نیز با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد. برخی کارشناسان نتاگون نیز اعلام کرده بودند که این جنگ، هزینه‌هایی بین ۱ تا ۲ میلیارد دلار برای آمریکا برده‌اند، همچنین بر مکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) برآورد کرده است که فقط در ۱۰۰ ساعت ابتدایی جانگ، بیش از ۲ میلیارد دلار هزینه شده است، این رقم صرفاً برای حملات هوایی، مؤسسه امریکن اینترپرایز نیز اعلام کرده است که هر ۱۰ روز جنگ، بیش از ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار هزینه به آمریکا تحمیل می‌کند.

از سوی دیگر، ناکامی در دستیابی به اهداف تعیین‌شده، نشان‌دهنده یک بن‌بست راهبردی است. تحلیلگران معتقدند که ادامه این وضعیت، نه تنها دستوراوری برای طبقه اپستین نخواهد داشت، بلکه می‌تواند موقعیت آن‌ها در عرصه بین‌المللی تضعیف کند. در مقابل، ایران اسلامی با تکیه بر توان داخلی و مدیریت مین‌هوشمندانه شرایط، توانسته است از این بحران عبور کند و حتی معادلات را به نفع خود تغییر دهد. این مسئله، نشان‌دهنده اهمیت راهبرد مقاومت در برابر فشارهای خارجی است. در مجموع، آنچه امروز در صحنه جهانی مشاهده می‌شود، نتیجه مستقیم محاسبات نادرست طراحان جنگ علیه ایران است. این‌ها در چنین جهانی تبدیل می‌شوند و کشور‌های مختلف را در دست پایند، اما اکنون با واقعیتی متفاوت روبه‌رو شده‌اند؛ که در آن، نه تنها به اهداف خود نرسیده‌اند، بلکه با پیامدهای گسترده‌ای مواجه شده‌اند که کنترل آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد. و به نوشته

امینت انرژی جهان به ثبات در غرب آسیا وابسته است و هر گونه اقدام علیه ایران، به سرعت به بحران در بازارهای جهانی تبدیل می‌شود و کشور‌های مختلف را با چالش‌های جدی در تأمین منابع حیاتی مواجه می‌کند

درباب شعار راهبردی سال

نوبت تحمیل «در د» اقتصادی به آمریکاست

وحید عظیم‌نیا

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵، با تأسی به رهبر عظیم‌الشان شهید، شعار امسال را «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام کردند. این نام‌گذاری ناظر به مرحله‌ای است که در آن، اقتصاد کشورمان باید از موقعیت انفعالی در برابر فشارهای خارجی عبور کند و به یک ابزار فعال در تنظیم معادلات تبدیل شود. در این چارچوب، بازخوانی دقیق اجزای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین این اجزا، بخشی از بند ۲۲ سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبر شهیدمان در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ است که بر «رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن» تأکید دارد و گویی برای این روزها تدوین شده است، چه آنکه اکنون بیش از هر زمان دیگری قابلیت تفسیر عملیاتی یافته است و می‌تواند به‌عنوان محور راهبرد اقتصادی در شرایط جنگ رمضان مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم رصد در این بند، به معنای صرف اطلاع از تحریم‌ها نیست، بلکه به یک نظام هوشمند تبدیل و پیش‌بینی اشاره دارد که بتواند رفتار تحریم‌کننده را در سطوح مختلف شناسایی کند. این رفتار، ترکیبی از اقدامات مالی، تجاری، فناوریانه و حتی روانی است که در یک چارچوب هماهنگ طراحی می‌شود. رفتار شناسی تحریم‌کنندگان نشان می‌دهد تحریم‌ها به‌صورت لایه‌ای و تدریجی اعمال می‌شوند و هر مرحله بر اساس ارزیابی از میزان اثرگذاری مرحله قبل تنظیم می‌شود. در چنین شرایطی، کشور هدف زمانی می‌تواند واکنش مؤثر نشان دهد که از یک سامانه تحلیلی برخوردار باشد که بتواند این روند را به صورت مستمر پیش‌بینی کند.

در کنار رصد، بخش دوم این بند یعنی «افزایش هزینه برای دشمن» قرار دارد که اهمیت آن کمتر از بخش اول نیست. در ادبیات تحریم، همان‌گونه که «ریچارد نفیو» از سران رژیم آمریکا و معروف به معمار تحریم‌های ایران در چارچوب «در د و استقامت» توضیح می‌دهد، هدف اصلی از اعمال فشار اقتصادی، ایجاد هزینه برای کشور هدف است. این هزینه زمانی اثربخش تلقی می‌شود که از سطح تحمل عبور کند و رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد. حال، تحمیل جنگ رمضان و دفاع جانانه مردم ایران، این معادله را از یک‌سو بدون خارج کرده است و نشان می‌دهد کشورمان نیز می‌تواند با طراحی اقدامات متقابل، هزینه‌هایی را به طرف مقابل تحمیل کند.

تحولات اخیر در حوزه انرژی، نمونه‌ای روشن از این تغییر معادله است. مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انتقال انرژی در جهان، نشان داده است که چگونه می‌توان با استفاده از موقعیت‌های ژئوپلیتیکی، هزینه‌های قابل توجهی را به اقتصادهای متجاوز و شرکای آن که وابسته به واردات انرژی هستند، تحمیل کرد. افزایش ریسک عبور نفتکش‌ها، رشد هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل، و ایجاد نااطمینانی در بازار، مجموعه‌ای از فشارها را شکل داده است که به‌طور مستقیم بر قیمت انرژی و متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای محور «طبقه اپستین» اثر گذاشته است.

از منظر اقتصادی، افزایش قیمت انرژی به‌سرعت به سایر بخش‌ها منتقل می‌شود. هزینه تولید در صنایع انرژی‌بر افزایش می‌یابد و این افزایش، به قیمت تنهایی کالاها و خدمات سرسرایت می‌کند. در نتیجه، فشار تورمی در اقتصادهای مختلف تشدید می‌شود و دولت‌ها ناچار به اتخاذ سیاست‌های جبرانی می‌شوند. این سیاست‌ها خود هزینه‌های جدیدی را به بودجه عمومی تحمیل می‌کند و تعادل مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، ادامه سیاست‌های تحریمی با پیچیدگی بیشتری همراه خواهد بود.

در کنار این مسئله، اختلال در زنجیره تأمین نیز به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم قابل توجه است. افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و محدودیت در دسترسی به مسیرهای امن، موجب تغییر رفتار بازار می‌شود. سرمایه‌گذاران نیز هزینه‌های لجستیکی شده است. این وضعیت، به‌ویژه در اقتصادهایی که به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وابسته هستند، اثرات قابل توجهی بر جای گذاشته است. در نتیجه، بخشی از فشار اقتصادی که قرار بود متوجه کشورمان باشد، به‌صورت معکوس به اقتصادهای تحریم‌کننده منتقل می‌شود.

نکته مهم در این میان، نقش نااطمینانی در شکل‌گیری این هزینه‌ها است. در بسیاری از موارد، حتی بدون وقوع اختلال فیزیکی در عرضه، صرف افزایش ریسک و اختلال بحران، موجب تغییر رفتار بازار می‌شود. سرمایه‌گذاران با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند، شرکت‌ها برنامه‌های خود را بازنگری می‌کنند و هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده افزایش می‌یابد. این نااطمینانی، به‌عنوان یک عامل اقتصادی مستقل، می‌تواند اثرگذاری قابل توجهی داشته باشد و بخشی از راهبرد افزایش هزینه برای دشمن محسوب شود.

در بازارهای مالی نیز این روند قابل مشاهده است. نوسانات شدید در شاخص‌های بورس و تغییر جریان سرمایه، نشان‌دهنده افزایش سطح ریسک در اقتصاد جهانی است. سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های امن‌تر حرکت می‌کنند و این مسئله، رشد نقدینگی را در بسیاری از کشورها تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تحولات، بیانگر آن است که چگونه یک متغیر ژئوپلیتیکی می‌تواند به‌طور مستقیم بر متغیرهای اقتصادی اثر بگذارد و معادلات را تغییر دهد.

با این حال، تحقق کامل این راهبرد نیازمند یک پیش‌شرط اساسی است و آن، توانایی در رصد دقیق ریزو، رونق تحولات است. شناخت نقاط آسیب‌پذیر طرف مقابل، امکان طراحی اقدامات هدفمندتر را فراهم می‌کند. برای مثال، وابستگی برخی اقتصادها به مسیرهای خاص تأمین انرژی یا به منابع محدود، می‌تواند به‌عنوان نقطه فشار مورد استفاده قرار گیرد. این نوع نگاه، نیازمند تحلیل‌های عمیق و نقشه‌های دقیق است. اقدامات راهبردی در چنین شرایطی، دیگر یک مفهوم انتزاعی نیست.

امینت ایران به خوبی به آن واقفاست. در این میان، مهار فناوری‌های نوین دشمن نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. این مهم با هم در هم کوئیند. کانون‌های فناوری دشمن، مخصوصاً در سرزمین‌های اشغالی و همچنین محدود کردن آموزش‌ها و فرصت‌های موجود را از بین ببرد. در این میان، نقش کارایی این افزایش هزینه‌ها در دشمن، دیگر یک مفهوم انتزاعی نیست. مستقیم است. در صورت تحقق این الزامات، اقتصاد مقاومتی می‌تواند از یک مفهوم راهبردی به واقعیت ملموس تبدیل شود و جایگاه کشور را در معادلات جهانی ارتقا دهد.

شعار سال ۱۴۰۵ را باید در همین چارچوب تفسیر کرد. پیوند میان اقتصاد، وحدت ملی و امنیت، زمینه‌ساز را فراهم می‌کند که در آن، سیاست‌های اقتصادی با پشتوانه اجتماعی و امنیتی اجرا شوند و اثرگذاری بیشتری داشته باشند. تحقق این هدف، نیازمند نگاه دقیق، برنامه‌ریزی منسجم و اجرای مستمر است. در صورت تحقق این الزامات، اقتصاد مقاومتی می‌تواند از یک مفهوم راهبردی به واقعیت ملموس تبدیل شود و جایگاه کشور را در معادلات جهانی ارتقا دهد.